

نگاتی درباره

## تحلیل منطقی وضع اجتماعی

### ۱- تحلیل وضع - ارزیابی وضع - تعیین وظایف

معمولاً منطقین سه نوع حکم را از هم مشخص میسازند :

- (۱) حکم نظری یا توسیعی (یا تئوریک) - مثال : " زمین میگردد " ، " این شئی موزون است " ، " مثلث دارای چند بر است " .
  - (۲) حکم تقویمی (یا آکسیولوزیک) - مثال : " اینکار ناپسند است " ، " این شئی زیباست " ، " این عمل بد است " ، " آن سخن صحیح است " .
  - (۳) حکم عملی (یا پراکسیولوزیک) - مثال : " این گیاه خوردنی است " ، " باید از این راه رفت " ، " نمیتوان این سخن را پذیرفت " .
- تقسیم احکام به نظری، تقویمی و عملی تقسیم درستی است. درک این مسئله بویژه برای مبارزان سیاسی نیز دارای اهمیت و ارزش بزرگی است. کمی در این باره توضیح بدیم :
- حزب طراز نهم طبقه کارگر چهار عرصه دانی تحلیل دارد :
- (۱) عرصه مسائل جهان : وضع جنبش انقلابی و راههای بخش جهانی، وضع آرایش قوای امپریالیستی و ارتجاعی در جهان، سیر اقتصادی در بخشهای مختلف جهان، سیر علم و فن و هنر و غیره و غیره
  - (۲) عرصه مسائل کشور : وضع جنبش ملی و دموکراتیک و جنبش طبقه کارگر در داخل کشور، آرایش قوای طبقاتی جامعه و سیر اقتصادی و فرهنگی در این کشور و غیره
  - (۳) عرصه مسائل مربوط به جنبش : نوع نیروهای که در مبارزه مترقی واردند، رابطه حزب طبقه کارگر با این نیروها، مسئله وحدت عمل و وحدت نیروهای تحول طلب، مسئله برنامه مشترک این نیروها و غیره
  - (۴) عرصه مسائل مربوط به حزب : اشتغال مختلف سازمانی در شرایط معین و انواع تواناگون مبارزه حزب، مبارزه درون و بیرون حزبی، نقاط مثبت و منفی کار حزب و غیره و غیره .
- در هر یک از عرصه های چهارگانه اجرا سه نوع تحلیل است : نوع برخورد تحلیلی ضروری است : نخست برای آشن شدن توصیف دقیق و عینی از عرصه مورد مطالعه، دوم برای ارزیابی آن و روشن کردن رابطه مثبت یا منفی مانسبت بوضع، سوم برای بهرین کشیدن وظایف ما .
- بدین ترتیب سه وظیفه منطقی : تحلیل وضع، ارزیابی وضع تعیین وظایف در عرصه های چهارگانه مسائل جهان، مسائل ایران، مسائل جنبش، مسائل حزب در برابر حزب قرار دارد .
- این آنا تومی منطقی البته تمهیدات قطع تعمیمی درست است و نگارنده نمیخواهد آنها بصورت نسخه جادی عرضه در آید. منتها توجه به بررسی دانی وضع در عرصه های چهارگانه از سه زاویه تحلیلی ذکر

شده یکی از حلقات مهم و اولیه رهبری علمی است.

۲- تشخیص وضع حاضر و پیش بینی وضع آینده

وظیفه تحلیل پدیده های اجتماعی از نظر حزب طبقه کارگر نباید تنها به "تشخیص وضع موجود" ، وضع کنونی محدود گردد. این تشخیص (دیالکتیک) که بر اساس آناتومی تحلیلی ذکر شده باید انجام پذیرد ناقص است اگر با پیش بینی وضع آینده (پروگنوستیک) همراه نشود.  
در اینجا یک سؤال مهم فلسفی پیش می آید: آیا پیش بینی وضع آینده در مسائل تاریخ و اجتماع ممکن است؟ و اگر ممکن است تا چه اندازه میتواند دقیق باشد، تا چه اندازه میتوان احکام علمی (وظایف علمی) را بر آن مبنی ساخت.

پایین سؤال در فلسفه گذشته و معاصر پاسخهای بکلی متفاوتی میدهند.  
آنها یکی که سیرتاریخ و اجتماع را نامعقول (Irrational) و فاقد منطقی میدانند و طرفدار شمار "هیچ چیز شرط هیچ چیز نیست" هستند (و از آنجمله فیلسوف ایستالیائی کروجه Croce و جامعه شناس معروف فرانسوی آرون (Aron) میگویند: تاریخ هب" و آشفتگی تصادف است و بقول آرون انسان خوشبختانه از موهبت پیش بینی وقایع محروم است.

ولی کسانی هستند و از آنجمله ما مارکسیست ها که باین سؤال پاسخ مثبت میدهمیم.  
البته ما از نوع مذهبیون نیستیم که اطلاع بر مفعیلات را از راه مکاشفات ربائی میسر میدهند. اگر چه حتی مذهب نیز با حکم "لا یعلم الغیب الا هو" بشر را در عرصه غیب گوئی عاجز اعلام داشته است.  
چندانکه زدم لاف کرامات و مقامات  
هرچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد

باور ما به امکان پیشگوئی علمی مبنی بر برداشت زیرین است:  
با آنکه نسج اجتماعی نسجی است فوق العاده پیچیده و دارای پارامترهای بسیار بسیار متنوع و لذا مبرفونکسیونل حوادث در درون سیستم اجتماعی بی انداز مبرفونج است و نقش تصادفات و تاثرپذیریها؛ نامشهود و پدایش ناگهانی عرصه های نو و تولد و تناسل ناهنجار حوادث تصادم بسیار زیاد است، بنا به حال این نسج تکامل خود را بر حسب قوانینی که بشکل گرایش منسبط در آن بروز میکنند، انجام میدهد، میتوان یاد انستن این قوانین، یاد انستن خصا یس نسج اجتماعی، یاد انستن ویژگیهای عرصه ای که مورد تحلیل خاص ما است، پیش بینی کرد.

اماد ر برابر این سؤال که درجه حتمیت این پیش بینی چه اندازه است باید گفت:  
اولا درجه این حتمیت در عرصه های مختطف بسته به تعداد معلوم ها و مجهول ها فرقی میکند،  
ثانیا تمام این پیش بینی ها از نوع احکام احتمالی است که در آن امکان سقم نیز وجود دارد.  
انکون این سؤال مطرح میشود:

آیا با توجه به مبرفونجی و غیر مترقب بودن سیرتاریخ، و خصلت احتمالی پیش بینی های تاریخی اینکار ضرور است، سید منداست؟ آیا اصلاح است که از این تحلیل پروگنوستیک وظایف علمی بیرون کشیده شود.

پاسخ آنست که در ضرورت و سودمندی تحلیل پروگنوستیک وضع ادنی تردیدی نیست زیرا پدیده و حرکت ما در جاده تاریخ حرکت کسی است که تنها زریای خود را میبند ولی کوچکترین مصیری از مسیر آن ندارد. چنین رهروی میتواند انرژی خود را یا بطور زائد صرف کند یا بطور زائد ذخیره نماید و همیشه غافلگیر شود.

طبیعی است که وظایف علمی مبنی بر تحلیل پروگنوستیک باید پیوسته با توجه به درجه احتمالی بودن نتیجه گیرها، احتیاط آمیز و سنجیده باشد.